

بررسی برآزش الگوی مفهومی مبتنی بر پیش‌بینی رضایت زناشویی

بر اساس عوامل اجتماعی - اقتصادی و ویژگیهای شخصیتی

با میانجیگری سبک زندگی در زنان شهر تهران

رضا کرمی نیا^۲

خدیدجه ابوالمعالی الحسینی^۴

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

محبوبه مرادی^۱

حمیدرضا حاتمی^۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۱۹

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی برآزش الگوی مفهومی مبتنی بر پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس عوامل اجتماعی - اقتصادی و ویژگیهای شخصیتی با میانجیگری سبک زندگی در زنان شهر تهران انجام شد. روش پژوهش کمی - پیمایشی، و جامعه آماری شامل تمام زنان متأهل شهر تهران است که تعداد آنها ۲۲۱۰۲۸۷ نفر برآورد شده است و از این تعداد ۳۸۴ مورد بر اساس فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. گردآوری داده‌ها با استفاده از چهار پرسشنامه سبک زندگی والکر، رضایت زناشویی انریچ، آزمون شخصیتی نئو و پرسشنامه محقق ساخته عوامل اجتماعی - اقتصادی و روش مورد مطالعه الگوسازی معادلات ساختاری بوده است. نتایج نشان از برآزش نهایی الگوی ارائه شده دارد. اگرچه ارتباط بین متغیرهای عوامل اجتماعی - اقتصادی با رضایت زناشویی معنی‌دار نیست، بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و سبک زندگی، ویژگیهای شخصیتی و سبک زندگی، ویژگیهای شخصیتی و میزان رضایت زناشویی و سبک زندگی و میزان رضایت زناشویی زنان مورد مطالعه ارتباط معنی‌داری وجود دارد. به طور کلی و با توجه به نتایج، می‌توان چنین نتیجه گرفت که رضایت زناشویی چند بعدی، و تحت تأثیر عوامل زیادی است و لذا از آنجا که متغیر رضایت زناشویی هم از بعد عینی و هم بعد ذهنی برخوردار است بشدت هم تحت تأثیر عوامل روانشناختی بویژه ویژگیهای شخصیتی است و هم از عوامل جامعه‌شناختی مانند سبک زندگی تأثیر گرفته است.

کلیدواژه‌ها: رضایت زناشویی، عوامل اجتماعی - اقتصادی، ویژگیهای شخصیتی، سبک زندگی سالم.

farbodehdas@yahoo.com

reza.karaminia@gmail.com

hhataami83@yahoo.com

sama.abolmaali@gmail.com

۱ - دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه علوم و تحقیقات

۲ - نویسنده مسئول: استاد گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله

۳ - دانشیار گروه روانشناسی عمومی دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۴ - دانشیار رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد واحد رودهن

مقدمه

خانواده در تمام فرهنگها کانون شکل‌گیری هویت فرد است. خانواده پایه بنیادین اجتماع، سلول سازنده زندگی انسان، خشت بنای جامعه، کانون اصلی حفظ سنتها، هنجارها و ارزشهای اجتماعی، و شالوده استوار پیوندهای اجتماعی و روابط خویشاوندی، و کانون بروز و ظهور عواطف انسانی و پرورش اجتماعی است (بنی فاطمه و طاهری تیمورلویی، ۱۳۸۸).

خانواده واحدی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید و از آغاز پیدایی خود همچون حریمی امن، زندگی انسان را در بر می‌گیرد و روح تازه‌ای در درون شبکه خویشاوندی ایجاد می‌کند که شمار زیادی از خویشاوندان را نیز به هم پیوند می‌دهد (بهارى، ۱۳۹۴).

جامعه سالم بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند تحقق یابد. هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده است. برای داشتن جامعه‌ای سالم باید به سلامت نخستین واحد اجتماعی یعنی سلامت خانواده اهمیت داد. یکی از عوامل تعیین کننده سلامت خانواده، رضایت زناشویی است. استواری و استحکام خانواده به ازدواج و رابطه زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد؛ یعنی هر گونه تزلزل و سستی در رضایت زناشویی یا نبود ازدواج موفق علاوه بر اینکه آرامش روانی زوجها را مختل می‌کند، بقا و دوام خانواده را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد (پور میدانی، نوری و شفتی، ۱۳۹۳: ۳۳۲).

متأسفانه نهاد خانواده در ایران در دو دهه اخیر دستخوش تغییرات زیادی شده است؛ از جمله اینکه طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، بعد خانوار در کشور و از جمله در مناطق شهری در دهه‌های اخیر روند کاهشی داشته است. در سال ۱۳۵۵ بعد خانوار مناطق شهری ۴/۹ و این رقم در ۱۳۸۵ به ۳/۹ و در ۱۳۹۰ به ۳/۵ رسیده است. در تهران در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ بعد خانوار ۳/۱۳ است. هم‌چنین حضور بیشتر زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی، افزایش تعداد زنان تحصیل کرده و افزایش آمار زنان شاغل از جمله تغییراتی است که در دهه‌های اخیر در حوزه خانواده روی داده و بشدت میزان و ماهیت رضایتمندی زناشویی را تحت تأثیر قرار داده است (جتی جهرمی، معین و یزدانی، ۱۳۸۹).

سبک زندگی مجموعه تقریباً هماهنگی است از تمامی رفتارها و کنشهایی که هر فرد در طول زندگی روزمره از خود نشان می‌دهد. در واقع سبک زندگی نمودی از جهتگیری و عادات روزانه است. تغییرات در سبک زندگی با شکل‌گیری فرهنگ مردم رابطه نزدیک دارد. بنابراین می‌توان

شناخت لازم در مورد فرهنگ جامعه را از طریق شناخت سبک زندگی آن جامعه به دست آورد (منوچهرآبادی، هاشمی و حصارى، ۱۳۹۲).

با توجه به تغییر شیوه‌های زندگی و مصرف در سالهای اخیر، که نه تنها الگوی مصرف که الگوی کار و فراغت نیز دستخوش تغییر شده است و این تغییر، تغییر نظامهای ارزشی و تعلقات اجتماعی را نیز به دنبال داشته است. با توجه به اهمیت کارکرد متعادل خانواده و اهمیت جلوگیری از متلاشی شدن آن، شناخت عوامل مرتبط با رضایت زناشویی، که پایه استحکام بخش زندگی خانوادگی است، ضروری به نظر می‌رسد (پورمیدانی، نوری و شفتی ۱۳۹۳).

بنابراین در صورت کسب این شناخت و تلاش در جهت کنترل این عوامل و افزایش میزان رضایتمندی زناشویی و رضایت از زندگی می‌توان انتظار داشت که افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خواهند پرداخت و خانواده‌ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد.

تشکیل خانواده با ازدواج آغاز می‌شود. خانواده به عنوان نهادی اجتماعی به وجود آورنده جامعه بنیادی و اساسی بشریت است. دو نفر که از لحاظ جنسیت با هم متفاوت هستند، متقابلاً با نیروی مرموز غریزه و عشق به همدیگر جذب، و به‌طور کامل با همدیگر متعهد می‌شوند تا یک واحد پویای مولد را شکل دهند (عطاری، امان‌الهی فرد و مهرایی زاده هنرمند، ۱۳۸۶). ازدواج در جامعه متغیر امروزی پدیده‌ای پیچیده است. انسانها به دلایل مختلفی ازدواج می‌کنند. در کنار تمایلات جنسی، که مسائل اولیه است، عشق، امنیت اقتصادی، مجالست، محافظت، امنیت عاطفی، فرار از تنهایی، علایق مشترک و داشتن فرزند بعضی از عواملی است که می‌تواند باعث گرایش هر شخص به ازدواج شود (جانیتوس^۱، ۲۰۰۴). موضوع خانواده یکی از مهمترین موضوعات در مشاوره و روانشناسی است. انسان از هر چه می‌تواند فاصله بگیرد؛ اما از خانواده نمی‌تواند؛ زیرا بدون وجود خانواده در هر شکل و صورتی که باشد، مفهوم حیات و زندگی انسان مصداق بارزی نخواهد داشت. مفهوم خانواده و ارزش این نهاد اجتماعی برای هر جامعه‌ای اساسی تلقی می‌شود و هر جامعه‌ای متناسب با ارزشهای خود ابتدا به سراغ خانواده می‌رود (گلدنبرگ^۲ و گلدنبرگ، ۲۰۰۱). چگونگی و کیفیت روابط میان زوجین، تعیین‌کننده کارکرد این نهاد است. نهاد خانواده و رابطه زناشویی میان زوجین به عنوان رکن اصلی آن از دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی تأثیر

می‌پذیرد و بر آنها تأثیر می‌گذارد (مصلحی و احمدی، ۱۳۹۰: ۷۶). دیدگاه‌های سنتی درباره فرهنگ جای خود را به شکل‌های اجتماعی جدیدی داده است. یکی از مصداق‌های مهم این شکل اجتماعی نو، رشد شبکه‌های زندگی مبتنی بر منابعی است که با انتخابها در زمینه مصرف فراهم می‌شود. این انتخابها در زمینه مصرف بر اساس ذخیره نمادی است که در فرهنگ معاصر ارائه می‌شود. در واقع زندگی برخلاف برداشت سنتی آن از شیوه زندگی مبنی بر اوقات فراغت و صنایع فرهنگی و الگوهای مصرف است (خواجوی، ۱۳۹۲).

ساختار خانواده از هر لحاظ تحت تأثیر فرایند مدرنیزاسیون بوده و شکل و محتوای آن بشدت دچار دگرگونی شده است. از نظر شکل و اندازه حضور خانواده گسترده بسیار کم‌رنگ شده و خانواده هسته‌ای شکل رایج آن است. از نظر بعد نیز خانواده‌ها تک فرزندی در حال گسترش است. جدیدترین آمار ثبت احوال کشور نشان می‌دهد که ۳۳ درصد خانواده‌های ایرانی تک فرزندی هستند. علاوه بر تغییرات شکلی، خانواده‌ها امروزه از نظر محتوایی و ساختار حاکم بر روابط بین اعضا و از جمله روابط زناشویی نیز دگرگونی شدیدی را به خود دیده‌اند. از آنجا که بیشتر جمعیت در نقاط شهری ساکن هستند، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و بویژه در حوزه فعالیتهای اقتصادی و کار بیرون از خانه به مسئله‌ای عادی تبدیل شده و افزایش آمار زنان تحصیل کرده و شاغل، روابط درون خانواده‌ها را متحول کرده است. امروزه نقشهای همسری، مادری، پدری و فرزندی معنایی متفاوت از گذشته یافته است (ساروخانی، ۱۳۸۹).

این دگرگونیها بدون شک در شهرهای بزرگ و از جمله تهران به عنوان پایتخت کشور، چشمگیرتر و دامنه و عمق تأثیرات آن نیز بیشتر است. تمرکز بیش از حد نهادهای اداری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و در نتیجه تمرکز جمعیتی در این شهر باعث شده است که تهران کانون دگرگونیها و نیز مشکلات، آسیبها و چالشهای اجتماعی باشد (بخارایی، ۱۳۸۷).

به نظر می‌رسد تغییر و تحولات به وجود آمده باعث تغییر در ساختار روانی و شناختی و به‌طور کل شخصیتی زوجین کشور و بویژه زوجهای تهرانی شده است. ویژگی رفتاری، اخلاقی، ارزشها، آرزوها و سطح توقعات زوجهای امروزی از گذشته بسیار متفاوت است. این امر کیفیت ازدواج و معنا و مفهوم رضایتمندی زناشویی را در جامعه تغییر داده است. تغییر در معنا و مفهوم رضایت زناشویی است که خانواده‌ها را بویژه در شهرهای بزرگی چون تهران با چالشهایی همچون افزایش میزان تنش و طلاق روبه رو کرده است (شیخی، ۱۳۷۳). بنابر آمار سازمان ثبت احوال کشور تا پایان آبان ماه ۱۳۹۳ تعداد ازدواجهای ثبت شده ۴۹۵۶۷۱ در برابر ۱۰۳۳۰۲ طلاق بوده است. این

آمار تقریباً به معنای وقوع یک طلاق در برابر هر چهار ازدواج است. چنین آماری عمق مسئله را نمایان می‌سازد. طلاق آخرین مرحله و آخرین راهکار پایان دادن به رابطه زناشویی است که در آن زن و مرد، کمترین میزان رضایت را دارا هستند و یا اصلاً از آن رضایتی ندارند. به نظر می‌رسد بررسی میزان رضایت زناشویی از زوایای مختلف و روشن ساختن عوامل تأثیرگذار در آن یکی از مهمترین راه‌های آسیب‌شناسی نهاد خانواده و طلاق در جامعه است. وینچ معتقد است که رضایت زناشویی، انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است (قربانعلی پور و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۸؛ امرالهی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۳). زمانی که عدم انطباق رخ دهد، آسیب‌پذیری نهاد خانواده و رابطه زناشویی نمایان می‌شود.

بنابراین هرگونه آسیب‌شناسی نهاد خانواده به بررسی مسئله رضایت زناشویی منوط است و بررسی این مسئله نیز در گرو روشن کردن میزان تأثیر عوامل مختلف روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر رضایت زوجین از ازدواجشان است. در اینجا سبک زندگی به عنوان یک عامل فرهنگی نقش متغیر میانجی را ایفا می‌کند؛ یعنی افراد در چارچوب عوامل اقتصادی، اجتماعی و فردی، نوعی سبک زندگی خاص خود را بر می‌گزینند که این سبک زندگی به نوبه خود میزان رضایت آنها را از زندگی زناشویی تحت تأثیر قرار می‌دهد (هبا محمد محمود^۱، ۲۰۱۶).

نظریه‌های مورد استفاده در این مقاله در سه حوزه رضایت زناشویی، سبک زندگی و شخصیت قرار دارد. در هر حوزه‌ای نظریه‌های متفاوت و گوناگونی وجود دارد؛ با این حال ما بر مهمترین و کاربردیترین آنها از نظر این پژوهش تأکید خواهیم کرد (ماکوئی^۲، ۲۰۱۴).

رضایت زناشویی در روانشناسی مورد توجه چهار نظریه روان‌پویشی، رفتارگرایی، رویکرد شناختی و نظریه تحولی بوده است. نظریه روان‌پویشی، رویکردی روانکاوانه است که بر گذشته فرد و تعارضهای درونی روانی وی تأکید دارد (اندروزی^۳، ۱۹۹۸ به نقل از عطاری، ۱۳۸۶). درمانگر در نظریه رفتارگرایی زوج‌درمانی را فرصتی برای ایجاد تغییرات رفتاری مهم در هر زوج از طریق بازسازی محیط بین فردی آنان می‌داند. در واقع تأکید اصلی این رویکرد بر رفتارشناسی و رفتاردرمانی در زمینه حل اختلافات زناشویی و افزایش میزان رضایت زناشویی است (شارف^۴، ۱۳۸۸). کانون توجه نظریه شناختی نیز عوامل شناختی مثل نگرشها، افکار و انتظارات و نقش آنها

1 - Heba Mohammad Mahmoud

2 - Macovei

3 - Androzi

4 - Sharf

در رفتار افراد است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۷). نظریه تحولی نیز بر دو مفهوم اساسی چرخه حیات خانواده و وظایف رشدی آن استوار است (متسچ و هیل^۱ به نقل از اکبری و دهکردی، ۱۳۸۶).

از میان نظریات جامعه‌شناختی نیز نظریه کنش متقابل نمادین و نظریه تبادل رضایت زناشویی را مورد توجه قرار داده‌اند. نظریه کنش متقابل نمادین به شیوه‌های تعاملی توجه دارد که اعضای خانواده با استفاده از نمادهایی مانند کلمات، ژستها، مقررات و نقشها با یکدیگر تعامل دارند. نظریه مبادله نیز به روابط زناشویی همچون روابط اقتصادی و تجاری نگاه می‌کند. در این نظریه بیشتر بر جستجوی منافع و مفاهیمی مانند هزینه و فایده و تشویق و تنبیه تأکید می‌شود (رایس^۲، ۱۹۹۴ به نقل از اکبری و دهکردی، ۱۳۸۶).

در بررسی و سنجش رضایت زناشویی مقیاس مشهور انریچ مورد استفاده قرار می‌گیرد که انعکاسی از نظریه‌های مطرح شده در آن دیده می‌شود. اصطلاح انریچ خلاصه شده عبارت پربرسازی و تقویت رابطه، ارتباط و رضایت خاطر است. این مقیاس در ابتدا برای توصیف پویاییهای ازدواج به منظور پژوهش ایجاد شد؛ اما اندک زمانی نگذشت که به عنوان یک ابزار تشخیص برای زوجهای متأهلی به کار گرفته شد که به دنبال مشاوره ازدواج و غنی‌سازی آن بودند (السون^۳، ۱۳۸۹). این مقیاس شامل ۱۲ بعد است که عبارت است از: پاسخ‌دهی، رضایت‌ناشویی، موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیتهای اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، خانواده و دوستان، نقشهای مساوات‌طلبی و جهتگیری دینی (مورفی^۴ و همکاران، ۲۰۱۵).

سبک زندگی نیز هم در آرای جامعه‌شناسان کلاسیک مانند وبر، زیمل و ویلن آمده است و هم در نظریه‌های جامعه‌شناسان معاصر مانند گیدنز و بوردیو. هم‌چنین آدلر در روانشناسی، آن را مورد بحث قرار داده است. در این مقاله آرای بوردیو و آدلر در تبیین نقش سبک زندگی در رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. خلاصه دیدگاه بوردیو این است که افراد و گروه‌ها در جامعه، موقعیت‌های متفاوت و متمایزی دارند (وضع یا فضای اجتماعی). فرد یا گروه با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن، نظام طبقه‌بندی اجتماعی را در ذهن خود پدید

1 - Mastsech & Hill

2 - Rise

3 - Elson

4 - Morfy

می‌آورد (موضعگیری). این نظام، مجموعه‌ای از ترجیحات و انتخابها (سلیقه‌ها) را در ذهن فرد یا افراد تولید می‌کند که معنا (ارزش)‌هایشان از خلال روابط و تضادهایشان درک می‌شود؛ این ترجیحات و انتخابها وقتی در محدوده تواناییها و ناتوانیهای (یا همان سرمایه) اقتصادی و نمادین در قالب کنشها و داراییها بروز می‌یابد، «سبک زندگی» متمایز را پدید می‌آورد و به بیان دیگر نظام اجتماعی باز تولید می‌شود. بورديو این تفاوتها و تمایزها را در قالب نظام طبقاتی و نزاع بر سر فرهنگ مشروع قابل فهم می‌داند (بورديو، ۱۳۸۱: ۲۳۸). آنچه در آرای بورديو در دستیابی به هدف این مقاله مهم است نقشی است، که سرمایه اقتصادی و فرهنگی در تعیین نوع سبک زندگی افراد دارد. این سرمایه‌ها در قالب متغیر عوامل اجتماعی - اقتصادی و نقش آن در تعیین نوع سبک زندگی پاسخگویان مورد توجه قرار گرفته است.

از نظر آدلر نیز چگونگی تلاش فرد برای کنار آمدن با احساسات حقارت‌آمیز بخشی از «سبک زندگی» خاص وی می‌شود؛ یعنی به صورت یک جنبه از کارکردهای شخصیتی وی در می‌آید. سبک زندگی خلاقیتی است حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیتهای آن و به این سبب افراد از این حیث مختلف هستند؛ زیرا علاوه بر احساس حقارت و برتری طلبی، که میان همه آدمیان مشترک است، سه عامل بدنی، روانی و اجتماعی، که به ترتیب در ساختمان بدنی و عمل اعضای آن صفات و استعدادهای روانی و ارتباطات اجتماعی نهفته است در میان آدمیان متفاوت است. همین امر شیوه خاص هر فرد را برای جبران احساس حقارت و برتری طلبی تعیین می‌کند (برزگری، ۱۳۸۸).

سومین نظریه مورد کاربرد به حوزه شخصیت مربوط است. تحقیق در روانشناسی شخصیت نه تنها بر فرایندهای روانشناختی، بلکه بر ارتباط این فرایندها با یکدیگر نیز متمرکز است. درک چگونگی عمل این فرایندها با همدیگر و تشکیل کل یکپارچه، اغلب فراتر از شناخت هر یک از آنها به طور جداگانه است. انسان به صورت کل سازمان یافته عمل می‌کند و در پرتو چنین کلیت و سازمانی است که باید شناخته شود (مگنوسون^۱، ۱۹۹۹ به نقل از خانی و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع روانشناسان در نظریات خود به ابعاد متفاوتی از شخصیت انسان اشاره کرده‌اند؛ هرچند وجوه تشابهی نیز بین دیدگاه‌های آنها دیده می‌شود؛ با وجود این از آنجا که آزمون شخصیتی نئو، که بر پایه نظریات کتل و آیزنک ایجاد شده است از اعتبار جهانی برخوردار است به عنوان چارچوب

نظری و برای سنجش بعد شخصیت پاسخگویان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این آزمون پنج بعد شخصیت را می‌سنجد که این ابعاد عبارت است از: روان‌رنجورخویی، برونگرایی، گشودگی (انعطاف‌پذیری)، دلپذیر بودن (خوشایندی)، با وجدان بودن (وظیفه‌شناسی).

محقق در این پژوهش به دنبال تحلیل و واکاوی و میزان تأثیر هر یک از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فردی (ویژگیهای شخصیتی) بر سبک زندگی و در نهایت بر میزان رضایت زناشویی زنان شهر تهران است و اینکه هر کدام از این عوامل به چه میزان تغییرات سبک زندگی و در نتیجه تغییرات رضایت زناشویی آنها را تبیین می‌کند. آیا تفاوت در وضعیت اقتصادی، تفاوت در ویژگیهای اجتماعی (همچون بعد خانواده، سن ازدواج، فاصله سنی با شوهر) و تفاوت در ویژگیهای شخصیتی زنان شهر تهران سبکهای زندگی متفاوتی در میان آنها تبیین می‌کند؟ سهم هر کدام از این عوامل در تبیین رضایت زناشویی چه میزان است؟ و سرانجام این پژوهش با هدف بررسی میزان برازش الگوی مفهومی مبنی بر پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس عوامل اجتماعی - اقتصادی و ویژگیهای شخصیتی با میانجیگری سبک زندگی در زنان شهر تهران است که در این مقاله در پی پاسخگویی به آنها خواهیم بود.

روش

روش این پژوهش، کمی پیمایشی، و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری آن شامل تمام زنان دارای همسر شهر تهران است که تعداد آنها طبق سالنامه آماری سال ۱۳۹۱ شهر تهران ۲۲۱۰۲۸۷ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری به روش تصادفی سهمیه‌ای انتخاب شد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه است. در این پژوهش از سه پرسشنامه استاندارد و یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که عبارت است از: (۱) پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ السون و دیگران (۱۹۹۸) که در اعتبار فرم آخر با استفاده از روش آلفای کرونباخ مقدار آن را ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در کشور ما اولین بار سلیمانان و نوابی‌نژاد همبستگی درونی آزمون را برای فرم بلند ۰/۹۳ و برای فرم کوتاه ۰/۹۵ محاسبه کرده‌اند. در یک پژوهش مهدویان (۱۳۷۶) اعتبار آزمون را با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته (برای مردان ۰/۹۳۷، برای زنان ۰/۹۴۴) و برای مردان و زنان (۰/۹۴) به دست آورد (اسچایفر و السون، ۱۹۸۱ به نقل از گریفت و مالهرب، ۲۰۰۱).

۲) پرسشنامه آزمون شخصیتی نئو فرم پنج عاملی تست (برگه ۶۰ سؤالی) که این پرسشنامه روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه اجرا شد که ضریب‌های پایایی ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ به ترتیب برای عوامل A, O, E, N و C به دست آمده است. در یک مطالعه طولی هفت ساله از ارزیابی‌های همسالان، که در آن کل آزمون به کار رفته بود، ضریب‌های پایایی بین ۰/۸۲، ۰/۵۱، برای ۸۱ صفت فرعی O, E, N و ۰/۸۱ تا ۰/۶۳ برای عوامل اصلی پنج‌گانه در مردان و زنان به دست آمده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

۳) پرسشنامه سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت والکر در پژوهشی (محمدی زیدی و همکاران، ۱۳۹۱) روایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. هم‌چنین پایایی پرسشنامه یا امکان اعتماد به آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتایج آن در ابعاد مختلف به این شرح است: تغذیه ۰/۷۹، ورزش ۰/۸۶، مسئولیت‌پذیری در مورد سلامت ۰/۸۱، مدیریت تنش ۰/۹۱، حمایت بین فردی ۰/۷۹ و خودشکوفایی ۰/۸۱.

۴) پرسشنامه عوامل اجتماعی - اقتصادی محقق ساخته که برای تعیین روایی و پایایی ابزار پژوهش هم از نظر استادان راهنما و مشاور و صاحب‌نظران این موضوع به منظور تعیین اعتبار صوری استفاده شده و هم اعتبار سازه‌ای از طریق یک پیش‌آزمون و با استفاده از تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل چند متغیره الگوسازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزارهای spss و Amos انجام شده است.

یافته‌ها

یافته‌ها شامل دو بخش توصیفی و تبیینی است. در بخش توصیفی، نمونه مورد مطالعه هم از نظر متغیرهای زمینه‌ای مانند سن و تحصیلات و هم از نظر متغیرهای اصلی توصیف می‌شود. به طور خلاصه نتایج یافته‌های توصیفی عبارت است از: میانگین سن پاسخگویان ۳۷/۶۹ سال، بیشترین سن ۶۵ سال، کمترین سن ۱۷ سال است. هم‌چنین میانگین تفاوت سنی زنان پاسخگو با همسرانشان بیش از ۵۷ ماه، یعنی حدود ۵ سال و از طرفی حداکثر تفاوت سنی ۱۸۰ ماه یعنی ۱۵ سال است. از سوی دیگر کمترین تفاوت سنی ۱۲- است که نشان‌دهنده بیشتر بودن سن پاسخگو از همسرش است.

متغیر دیگر تأثیرگذار در میزان رضایت زناشویی مدت زمان سپری شده از ازدواج آنها است.

در این مورد میانگین طول دوره ازدواج پاسخگویان ۱۵/۵۳ سال است. این رقم نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان حدود ۱۵ سال از ازدواج آنها سپری شده است. کمترین مقدار صفر و بیشترین مقدار ۴۹ سال است. از نظر میزان تحصیلات نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که ۳۷ درصد دارای کارشناسی و ۱۱ درصد نیز مدرکی بالاتر از آن دارند. هم‌چنین ۷ درصد زیر دیپلم، و بیش از ۳۴ درصد دارای دیپلم هستند.

در جدول ۱ توزیع پاسخگویان بر حسب ابعاد متغیر ویژگی‌های شخصیتی و متغیرهای سبک زندگی و رضایت زناشویی آمده است. بر اساس داده‌های جدول متغیر ویژگی شخصیتی متشکل از پنج بعد روان‌رنجورخویی، برونگرایی، گشودگی، دلپذیر بودن و وظیفه‌شناسی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین روان‌رنجورخویی ۶۳/۷۸ است؛ این به آن معنا است که بیشتر پاسخگویان از نظر این بعد از شخصیت در وضعیت مطلوبی به سر می‌برند. حداقل نمره در این شاخص ۲۸ و بیشترین نمره ۹۵ است؛ یعنی از یک سو بین پاسخگویان کسانی هستند که از نظر روان‌رنجورخویی در وضعیت خوبی قرار دارند و از سوی دیگر هیچ پاسخگویی کاملاً بری از روان‌رنجورخویی نیست. به لحاظ نظری افراد روان‌رنجورخو اشخاصی هستند حساس و با عزت نفس ضعیف و معمولاً از وضعیت زندگی رضایت چندانی ندارند. هم‌چنین میانگین بعد برونگرایی در بین پاسخگویان حدود ۷۰ است؛ یعنی بیشتر پاسخگویان از نظر ویژگی شخصیتی برونگرایی/درونگرایی افرادی برونگرا هستند؛ هرچند نمره ۴۰ که کمترین نمره است، نشان‌دهنده این است که بین پاسخگویان هستند کسانی که بیشتر افرادی درونگرا هستند. در زمینه بعد گشودگی میانگین ۶۷/۲۱ نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان در حد متوسط قرار دارند؛ یعنی بیشتر پاسخگویان افرادی هستند کنجکاو، دارای علائق گوناگون و خلاق و غیر سنتی؛ با این حال حداقل نمره بین پاسخگویان ۳۶ است که نشان‌دهنده افرادی است غیر خلاق، غیر تخیلی و بی‌علاقه به هنر. البته لازم به ذکر است که وضعیت شخصیتی پاسخگویان از نظر دو بعد دلپذیر بودن و وظیفه‌شناسی از دیگر ابعاد بهتر است. میانگین این دو به ترتیب حدود ۷۳ و ۷۵ درصد است که بیش از میانگین دیگر ابعاد است. بیشتر پاسخگویان افرادی دلپذیر و وظیفه‌شناس هستند. کمترین و بیشترین نمره پاسخگویان در متغیر سبک زندگی به ترتیب ۲۹/۴۱ و ۹۶/۹۹ است. هم‌چنین میانگین نمره آنها ۶۱/۵۴ است که از متوسط بیشتر است؛ این بدان معنا است که بیشتر پاسخگویان از سبک زندگی نسبتاً سالمی برخوردار هستند. در متغیر رضایت زناشویی نیز میانگین نمره پاسخگویان ۵۷/۸۶ است. که بیانگر میزان رضایتمندی متوسط در بیشتر پاسخگویان است؛ به

عبارت دیگر بیشتر پاسخگویان در حد متوسط رو به بالا از روابط زناشویی خود رضایت دارند. کمترین و بیشترین نمره، که بیانگر کمترین و بیشترین میزان رضایت زناشویی است به ترتیب عبارت است از ۲۸/۱۴ و ۸۸/۰۶.

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب ویژگیهای شخصیتی

ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
روان رنجورخویی	۶۳/۷۸	۱۳/۳۴۲	۲۸	۹۵
برونگرایی	۶۹/۴۹	۱۱/۸۹۵	۴۰	۹۸
گشودگی	۶۷/۲۱	۱۲/۹۷۵	۳۶	۱۰۰
دلپذیر بودن	۷۳/۴۲	۱۱/۳۱۴	۳۸	۹۶
وظیفه شناسی	۷۵/۰۳	۱۳/۰۷۹	۴۳	۱۰۰
سبک زندگی	۶۱/۵۴۷۲	۱۱/۸۸۴۸۰	۲۹/۴۱	۹۶/۹۹
رضایت زناشویی	۵۷/۸۵۸۱	۱۱/۶۱۱۶۸	۲۸/۱۴	۸۸/۰۶

بعد از ارائه توصیفی از وضعیت پاسخگویان در هر یک از متغیرهای تحقیق نوبت به تبیین رضایت زناشویی بر حسب متغیرهای مستقل می‌رسد. در بخش آمار استنباطی راه‌ها و روشهای بسیاری به منظور برآورد عوامل مختلف و آزمونهای آماری وجود دارد. در هر پژوهشی مطابق با سطح سنجش متغیرها و بر مبنای فرضیه‌های تحقیق، که خود از منطق نظری برخوردار است، روشی برای تبیین روابط بین متغیر(های) مستقل و متغیر وابسته انتخاب می‌شود. در اینجا روش الگوسازی معادله ساختاری به عنوان یکی از روشهای چند متغیره در تحلیل‌های آماری به منظور برآورد عوامل مختلف استفاده می‌شود.

در این پژوهش بر اساس هدف کلی پژوهش یعنی بررسی تأثیر عوامل اجتماعی - اقتصادی و ویژگیهای شخصیتی با میانجیگری سبک زندگی بر میزان رضایت زناشویی زنان شهر تهران، محقق بر آن است که متغیر رضایت زناشویی هر چند می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف زیادی قرار داشته باشد، بخش مهمی از واریانس آن با متغیرهای عوامل اجتماعی - اقتصادی، ویژگیهای شخصیتی و سبک زندگی قابل تبیین است. در این میان سبک زندگی نقش متغیری واسط را ایفا می‌کند؛ یعنی افراد بر حسب ویژگیهای شخصیتی و عوامل اجتماعی - اقتصادی از سبکهای زندگی متفاوتی برخوردارند و سبکهای مختلف زندگی میزان متفاوتی از رضایت زناشویی را در پی

خواهد داشت؛ به بیان دیگر متغیرهای مستقل ویژگیهای شخصیتی و عوامل اجتماعی - اقتصادی هم به طور مستقیم بر میزان رضایت زناشویی اثر می‌گذارد و هم به صورت غیر مستقیم و از طریق سبک زندگی.

این متغیرها هر کدام به عنوان متغیری پنهان، که توسط چند معرف اندازه‌گیری می‌شود در الگو وجود دارد. لازم به ذکر است که به ازای هر متغیر پنهان در الگوی معادله ساختاری یک الگوی اندازه‌گیری وجود دارد. در این تحقیق با توجه به اینکه چهار متغیر پنهان وجود دارد، چهار الگوی اندازه‌گیری در الگو خواهد بود. هر الگوی اندازه‌گیری شامل متغیر پنهان و معرفهای آن به عنوان متغیرهای مشاهده شده است. شرح این متغیرهای پنهان و معرفهای آن در جدول ۲ آمده است. البته متغیرهای این جدول بعد از آزمون جداگانه الگوهای اندازه‌گیری انتخاب شده که در رویکرد دو مرحله‌ای در معادلات ساختاری مرسوم است؛ به همین دلیل در هر مرحله برآورد و برازش الگوهای اندازه‌گیری برخی از متغیرها از الگوی نهایی حذف شده است. این متغیرها عبارت است از: مدیریت مالی، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان و اقوام و دوستان در الگوی رضایت زناشویی؛ مدیریت و ورزش در الگوی سبک زندگی؛ متغیر روان‌رنجورخویی و برونگرایی در الگوی ویژگیهای شخصیتی و متغیرهای تعداد فرزند، تفاوت تحصیلی با همسر، سن، نمره پرستیز شغلی در الگوی عوامل اجتماعی - اقتصادی.

جدول ۲: متغیرهای الگوی معادله ساختاری

نام متغیر	نوع متغیر	معرف (متغیر مشاهده شده)
ویژگی شخصیتی	پنهان بیرونی	روان رنجورخویی
		برونگرایی
		گشودگی
		دلپذیربودن
		وظیفه‌شناسی
عوامل اجتماعی - اقتصادی	پنهان بیرونی	تفاوت سنی با همسر
		طول دوره ازدواج
		تعداد فرزند به درصد
		تفاوت تحصیلی با همسر
		تحصیلات پاسخگو
		سن
		درآمد خانواده
		پرستیز شغلی
		ارزش خودرو
		خودشکوفایی
سبک زندگی	پنهان درونی	حمایت
		مسئولیت
		مدیریت
		ورزش
		تغذیه
رضایت زناشویی	پنهان درونی	موضوعات شخصیتی
		رضایت زناشویی
		حل تعارض
		مدیریت مالی
		اوقات فراغت
		روابط جنسی
		ازدواج و فرزندان
		اقوام و دوستان
		جهتگیری مذهبی

پس از تدوین الگوی نظری نوبت به برآورد و آزمون آن یعنی برآورد عوامل آزاد و تحلیل شاخصهای کلی و جزئی در الگو می‌رسد تا معلوم شود که آیا داده‌های تجربی در کل حمایت‌کننده الگوی نظری هست یا خیر. به منظور این کار ابتدا پس از تدوین الگو در نرم‌افزار Amos به برآورد و آزمون آن پرداخته شد. در برآوردهای اولیه شاخصهای کلی برازش نشان داد که الگوی مورد نظر به اصلاح نیاز دارد. پس از اصلاحات و آزمون الگو به بررسی وضعیت آن بر اساس شاخصهای مختلف برازش اقدام شد. در مرحله اول کلیت الگو (با استفاده از شاخصهای برازش کلی) و در مرحله بعد جزئیات آن با استفاده از اندازه‌های گزارش شده برای عوامل و معناداری تفاوت آنها با صفر بویژه برای ضرایب تأثیر یا ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج آزمون الگو در قالب جدولهای خروجی نرم‌افزار گزارش شده است.

در جدول ۳، نتایج شاخصهای کلی برازش آمده است. با استفاده از این شاخصها می‌توان به این سؤال پاسخ داد که صرف نظر از هر یک از اندازه‌های گزارش شده برای عوامل آیا الگوی تدوین شده به طور کلی توسط داده‌های تجربی حمایت می‌شود یا خیر. معمولاً به عنوان اولین شاخص مقدار کای اسکوئر را گزارش می‌کنند. نکته قابل ذکر در اینجا این است که شاخص برازش کلی کای اسکوئر به هیچ وجه به تنهایی نشاندهنده قابل قبول یا غیر قابل قبول بودن الگو نیست (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۹۹). اطلاعات جدول نشان می‌دهد که مقدار کای اسکوئر برابر است با ۱۲۷/۶۱۲. با توجه به اینکه کای اسکوئر با اطمینان ۰/۹۹ درصد معنادار است، این امر به معنای رد فرضیه صفر و بیانگر وجود تفاوت معنادار بین ماتریس واریانس - کواریانس الگو و ماتریس واریانس - کواریانس مشاهده شده است. افزایش مقدار کای اسکوئر و معنادار شدن آن نشاندهنده نیاز الگو به اصلاح است؛ اما هرچند پس از اصلاحات مورد نیاز، که هم بر اساس خروجیهای نرم‌افزار دارای منطق آماری بوده و هم از منطق نظری برخوردار بوده است، مقدار کای اسکوئر تا ۸۸ نیز کاهش یافت، باز با وجود این با تأیید فرضیه صفر روبه رو شدیم. این امر می‌تواند به دلیل حساسیت شاخص کای اسکوئر به حجم نمونه باشد؛ زیرا حجم نمونه زیاد به افزایش مقدار آن و در نتیجه تأیید فرضیه صفر منجر می‌شود. بنابراین در چنین حالتی اصلاحات بیشتر توجیه نظری نداشت. هرچند از نظر آماری می‌شد با حذف برخی عوامل آزاد به مقدار کای اسکوئر مطلوب رسید. از این رو به برآورد الگو بر اساس دیگر شاخصها در کنار کای اسکوئر اقدام شد؛ برای مثال در جدول در کنار مقدار کای اسکوئر شاخص دیگری وجود دارد به نام کای اسکوئر نسبی که نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی است (CMIN/DF). این شاخص به دلیل قضاوت درباره

الگوی تدوین شده و حمایت داده‌ها از آن شاخص مناسبتری است. اندازه‌های ۱ تا ۵ برای این شاخص مطلوب و اندازه‌های بین ۲ تا ۳ بسیار خوب تلقی می‌شود. همان طور که مشاهده می‌شود این مقدار برای الگوی ما ۲/۰۵۶ است که بسیار خوب تلقی می‌شود.

جدول ۳: شاخصهای برازش مطلق

الگو	تعداد پارامترهای آزاد برای برآورد	مقدار کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی
الگوی تدوین شده	۵۱	۱۲۷/۶۱۲	۶۸	۰/۰۰۰	۱/۸۷۷
الگوی اشباع شده	۱۱۹	۰/۰۰۰	۰
الگوی استقلال	۲۸	۲۲۹۳/۰۲۹	۹۱	۰/۰۰۰	۲۵/۱۹۸

پس از شاخصهای برازش مطلق نوبت به بررسی و تجزیه و تحلیل الگو بر اساس شاخصهای برازش تطبیقی یا نسبی می‌رسد. طبق داده‌های جدول تمام شاخصهای نسبی برای الگوی تدوین شده در وضعیت مطلوبی قرار دارد. البته چنین وضعیتی مطلوبی بعد از اصلاحات در الگو به دست آمد. شاخصهای برازش نسبی مقداری بین صفر تا یک به خود می‌گیرد و مقدار بیش از ۰/۹۰ در اغلب منابع به عنوان مقداری مطلوب و قابل قبول در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که این شاخصها برای الگوی تدوین شده در اینجا بیش از ۰/۹۰ است، نتیجه گرفته می‌شود که الگو از وضعیت مطلوبی از نظر شاخصهای نسبی برخوردار است.

جدول ۴: شاخصهای برازش نسبی

الگو	شاخص برازش هنجار شده	شاخص برازش نسبی	شاخص برازش افزایشی	شاخص برازش توکر - لوئیس	شاخص برازش تطبیقی
الگوی تدوین شده	۰/۹۴۴	۰/۹۲۶	۰/۹۷۳	۰/۹۶۴	۰/۹۷۳
الگوی اشباع شده	۱/۰۰۰		۱/۰۰۰		۱/۰۰۰
الگوی استقلال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

شاخصهای مقتصد، که نسبتی بین درجه آزادی و الگوی تدوین شده و درجه آزادی الگوی استقلال است، نشان می‌دهد که محقق تا چه اندازه در آزاد گذاشتن عوامل امساک به خرج داده

است. اندازه‌های بیش از ۰/۵۰ و در برخی منابع بیش از ۰/۶۰ حاکی از قابل قبول بودن الگو است؛ به عبارت دیگر نشان می‌دهد که محقق در آزاد گذاشتن عوامل مقتصدانه عمل کرده است. نتایج خروجیهای نرم‌افزار نشان می‌دهد که همه این شاخصها برای الگوی تدوین شده در حد بسیار مطلوبی قرار دارد.

جدول ۵: شاخصهای برازش مقتصد

شاخص برازش تطبیقی مقتصد	شاخص برازش هنجار شده مقتصد	شاخص نسبت مقتصد	الگو
۰/۷۲۷	۰/۷۰۶	۰/۷۴۷	الگوی تدوین شده
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	الگوی اشیاع شده
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	الگوی استقلال

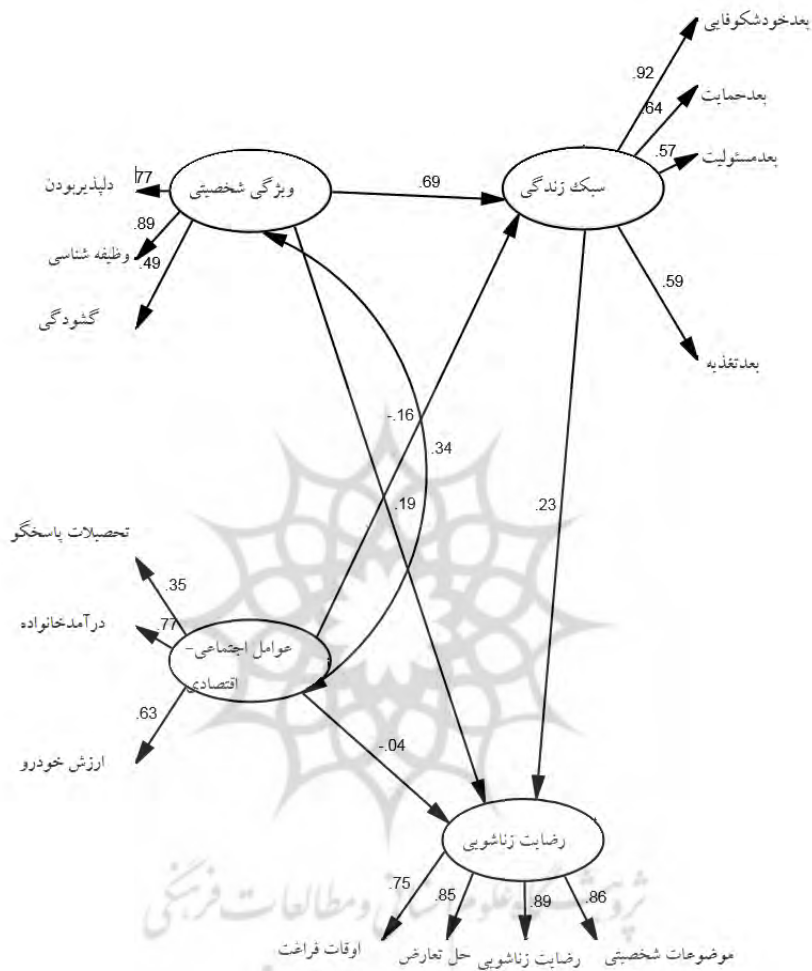
شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده (RMSEA) به عنوان یکی از عمومی‌ترین شاخصهایی که در قضاوت کلی درباره الگوی تدوین شده کاربرد دارد، نشان می‌دهد که الگوی تدوین شده قابل قبول است. این شاخص بین دو مقدار صفر و یک متغیر است و به عنوان یکی از شاخصهای بعدی برازش شناخته می‌شود. بنابر این هرچه مقدار آن کمتر و به صفر نزدیکتر باشد، بهتر است. این شاخص دارای نقطه برش ۰/۰۵ است؛ یعنی اندازه کمتر از آن بیانگر قابل قبول بودن الگو است. در الگوی تدوین شده در این پژوهش شاخص RMSEA برابر است با ۰/۰۴۸ که از قابل قبول بودن الگو حکایت می‌کند.

جدول ۶: شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده

الگو	ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده	LO 90	HI 90	PCLOSE
الگوی تدوین شده	۰/۰۴۸	۰/۰۳۵	۰/۰۶۰	۰/۵۹۶
الگوی استقلال	۰/۲۵۱	۰/۲۴۲	۰/۲۶۰	۰/۰۰۰

بعد از بررسی و تجزیه و تحلیل انواع مختلف شاخصهای برازش کلی الگو اکنون نوبت به برآورد عوامل و آزمون فرضیات تحقیق رسیده است. در معنای عام آماری هر شاخص آماری که ویژگیهای جامعه آماری را توضیح دهد، عامل نامیده می‌شود؛ اما در معادلات ساختاری عوامل عموماً مجموعه‌ای از اندازه‌های ناشناخته است که مایل به برآورد آنها هستیم (قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۸)

در الگوی ذیل برآورد انواع عوامل آزاد مشاهده می‌شود:



نمودار ۱: الگوی معادلات ساختاری رضایت زناشویی

به طور کلی در الگو سازی معادله ساختاری عوامل بر حسب الگوی اندازه گیری یا ساختاری متفاوت است. شرح این عوامل و مقدار برآورد شده آنها در جدول زیر آمده است:

جدول ۷: انواع عوامل برآورد شده

الگوی مرتبط	عوامل	معادل انگلیسی	مقدار برآورد
ساختاری	اثر ویژگیهای شخصیتی بر سبک زندگی	گاما	۰/۶۹
	اثر ویژگیهای شخصیتی بر رضایت زناشویی	گاما	۰/۱۹
	اثر عوامل اجتماعی - اقتصادی بر سبک زندگی	گاما	-۰/۱۶
	اثر عوامل اجتماعی - اقتصادی بر رضایت زناشویی	گاما	۰/۰۴
	اثر سبک زندگی بر رضایت زناشویی	بتا	۰/۲۲
	واریانس و کواریانس (همبستگی) متغیرهای ویژگیهای شخصیتی و عوامل اجتماعی - اقتصادی	فی	۰/۳۴
اندازه‌گیری متغیر پنهان	متغیر پنهان ویژگیهای شخصیتی		
	گشودگی (X3)	لامدا	۰/۴۹
	دلپذیر بودن (X4)	لامدا	۰/۷۷
بیرونی	متغیر پنهان عوامل اجتماعی - اقتصادی		
	وظیفه شناسی (X5)	لامدا	۰/۸۹
	تحصیلات پاسخگو (X10)	لامدا	۰/۳۵
اندازه‌گیری متغیر پنهان درونی	درآمد (X12)	لامدا	۰/۷۷
	خودرو (X14)	لامدا	۰/۶۳
	متغیر پنهان سبک زندگی		
	بعد خودشکوفایی (Y1)	لامدا	۰/۹۲
	بعد حمایت (Y2)	لامدا	۰/۶۴
	بعد مسئولیت (Y3)	لامدا	۰/۵۷
	بعد تغذیه (Y6)	لامدا	۰/۵۹
	موضوعات شخصیتی (Y7)	لامدا	۰/۸۶
	متغیر پنهان رضایت زناشویی		
	رضایت زناشویی (Y8)	لامدا	۰/۸۹
	حل تعارض (Y9)	لامدا	۰/۸۵
اوقات فراغت (Y11)	لامدا	۰/۷۵	

در توضیح جدول باید گفت که این جدول شامل اطلاعاتی است در باره تمام متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده در الگو. در بخش الگوی ساختاری چگونگی روابط بین متغیرهای پنهان آمده است که در اصل فرضیات تحقیق را شامل می‌شود. همان طور که از اطلاعات جدول مشخص است، متغیر ویژگیهای شخصیتی ۰/۶۹ درصد از تغییرات متغیر سبک زندگی را تبیین می‌کند؛ به عبارت دیگر در این تحقیق ۰/۶۹ از تغییرات متغیر سبک زندگی پاسخگوی ناشی از ویژگیهای شخصیتی آنها است؛ اما ارتباط بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و سبک زندگی ضعیف

و منفی است. مقدار گامای ۰/۱۶- نشان می‌دهد که عواملی مانند میزان تحصیلات، درآمد و خودرو بر سبک زندگی اثری منفی و ضعیف دارد. منفی بودن این رابطه بدین معنا است که پاسخگویانی که دارای تحصیلات و درآمد بیشتر و خودروهای گران قیمت تر هستند لزوماً سبک زندگی سالمتری ندارند.

اثر ویژگیهای شخصیتی بر میزان رضایت زناشویی ۰/۱۹ است؛ یعنی ویژگیهای شخصیتی تنها ۱۹ درصد از تغییرات متغیر زناشویی را تبیین می‌کند. بقیه تغییرات این متغیر به عوامل دیگر مربوط است. هم‌چنین مقدار گامای بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و رضایت زناشویی بسیار ناچیز و ۰/۰۴ است. در واقع یعنی ارتباط معناداری بین عواملی مانند میزان تحصیلات و درآمد و شاخصهای اقتصادی دیگر مانند خودرو و میزان رضایت زناشویی وجود ندارد. سبک زندگی نیز تنها ۰/۲۲ از تغییرات متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند؛ به عبارت دیگر ۲۲ درصد از تغییرات این متغیر به سبک زندگی و بقیه به متغیرهای دیگر و خطای اندازه‌گیری مربوط است.

در جدول، اندازه‌های لامدا همان بارهای عاملی است که بیانگر متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده است؛ برای مثال

در متغیر پنهان ویژگیهای شخصیتی مقدار لامدای ۰/۴۹ درصد برای متغیر مشاهده شده گشودگی (X3) نشان می‌دهد که ۰/۴۹ درصد از تغییرات متغیر گشودگی ناشی از ویژگیهای شخصیتی است و بقیه به خطای اندازه‌گیری و متغیرهای دیگر مربوط می‌شود. اطلاعات لامدا برای دیگر متغیرهای مشاهده شده نیز در جدول از چنین تفسیری برخوردار است.

در خروجی نرم‌افزار امکان بررسی فرضیه‌های تحقیق نیز وجود دارد. در این خروجیها نشان داده می‌شود که آیا ارتباط بین دو متغیر تفاوت معناداری با صفر دارد یا خیر. وضعیت آزمون فرضیات تحقیق در جدول ۸ قابل مشاهده است:

پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۸: آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه	پیش بینی	انحراف استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
فرضیه اول: بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و سبک زندگی زنان مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد؛ یعنی تفاوت در عوامل اجتماعی - اقتصادی (مانند تحصیلات، فاصله سنی، درآمد و...) به تفاوت در سبک زندگی منجر می شود.	-۰/۰۹۰	۰/۰۳۵	-۲/۵۸۱	۰/۰۱۰
فرضیه دوم: بین ویژگیهای شخصیتی پاسخگویان و سبک زندگی آنها رابطه معنی داری وجود دارد؛ یعنی تفاوت در ویژگیهای شخصیتی به تفاوت در سبک زندگی منجر می شود.	۰/۵۵۳	۰/۰۷۱	۷/۸۳۷	***
فرضیه سوم: بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و رضایت زناشویی زنان مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد؛ یعنی تفاوت در عوامل اجتماعی - اقتصادی (مانند تحصیلات، فاصله سنی، درآمد و...) به تفاوت در میزان رضایت زناشویی منجر می شود.	-۰/۰۳۴	۰/۰۵۴	-۰/۶۳۲	۰/۵۲۷
فرضیه چهارم: بین ویژگیهای شخصیتی پاسخگویان و میزان رضایت زناشویی آنها رابطه معنی داری وجود دارد؛ یعنی تفاوت در ویژگیهای شخصیتی به تفاوت در میزان رضایت زناشویی منجر می شود.	۰/۲۱۳	۰/۱۰۰	۲/۱۳۱	۰/۰۳۳
فرضیه پنجم: بین سبک زندگی و رضایت زناشویی زنان مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد؛ یعنی تفاوت در سبک زندگی به تفاوت در میزان رضایت زناشویی منجر می شود.	۰/۳۱۸	۰/۱۱۸	۲/۶۸۹	۰/۰۰۷

بر اساس اطلاعات جدول، شاخصهای برازش جزئی یعنی نسبت بحرانی و سطح معناداری آنها نشان می دهد که از مجموع پنج ضریب ساختاری چهار ضریب از تفاوت معناداری با صفر برخوردار است. بنابر این فرضیه های اول (مبنی بر ارتباط معنادار بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و سبک زندگی)، دوم (مبنی بر ارتباط معنادار بین ویژگیهای شخصیتی و سبک زندگی زنان مورد مطالعه)، چهارم (مبنی بر ارتباط معنادار بین ویژگیهای شخصیتی و میزان رضایت زناشویی زنان

مورد مطالعه) و پنجم (مبنی بر ارتباط معنادار بین سبک زندگی و میزان رضایت زناشویی زنان مورد مطالعه) تأیید می‌شود. تنها فرضیه سوم مربوط به ارتباط معنادار بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و رضایت زناشویی رد می‌شود. در این تحقیق ارتباط بین این عوامل و میزان رضایت زناشویی بسیار ضعیف بود و معنادار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مطالعه نقش متغیرهای سبک زندگی، ویژگی‌های شخصیتی و عوامل اجتماعی - اقتصادی در میزان رضایت زناشویی زنان متأهل تهرانی انجام شد. یافته‌های آن در دو بخش توصیفی و تحلیلی ارائه گردید. در بخش توصیفی به بیان ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه از نظر برخی متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، تفاوت سنی با همسر و غیره پرداخته شد. در بخش دوم در قالب الگوسازی معادلات ساختاری به برآورد عوامل و آزمون الگو و فرضیات اقدام گردید. در بخش الگوی ساختاری چگونگی روابط بین متغیرهای پنهان که در اصل فرضیات تحقیق را شامل می‌شود، برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد که متغیر ویژگی‌های شخصیتی ۶۹ درصد از تغییرات متغیر سبک زندگی را تبیین می‌کند؛ به عبارت دیگر در این تحقیق ۶۹ درصد از تغییرات متغیر سبک زندگی پاسخگویان ناشی از ویژگی‌های شخصیتی آنها است؛ اما ارتباط بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و سبک زندگی ضعیف و منفی است. مقدار گامای ۰/۱۶- نشان می‌دهد که عواملی مانند میزان تحصیلات، درآمد و خودرو بر سبک زندگی اثری منفی و ضعیف دارد. منفی بودن این رابطه بدین معنا است که پاسخگويانی که دارای تحصیلات و درآمد بیشتر و خودروهای گران قیمت تر هستند، لزوماً سبک زندگی سالمتری ندارند.

اثر ویژگی‌های شخصیتی بر میزان رضایت زناشویی ۱۹ درصد است؛ یعنی ویژگی‌های شخصیتی تنها ۱۹ درصد از تغییرات متغیر زناشویی را تبیین می‌کند. بقیه تغییرات این متغیر به عوامل دیگر مربوط است؛ با وجود این ارتباط این دو معنادار است و نتیجه با نتایج پژوهشهای پیشین از جمله مطالعه کوک (۲۰۰۴) درباره زوجهای امریکایی مشابه است. هم‌چنین مقدار گامای بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و رضایت زناشویی بسیار ناچیز و ۰/۰۴ است. در واقع ارتباط معناداری بین عواملی مانند میزان تحصیلات و درآمد و شاخصهای اقتصادی دیگر مانند خودرو و میزان رضایت زناشویی وجود ندارد. این نتیجه بویژه در مورد متغیر تحصیلات با نتایج مطالعه ادوارد نیویچ

تفاوت دارد که از ارتباط معنادار بین رضایت زناشویی و متغیر تحصیلات حکایت داشت. سبک زندگی نیز تنها ۲۲ درصد از تغییرات متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند؛ به عبارت دیگر ۲۲ درصد از تغییرات این متغیر به سبک زندگی و بقیه به متغیرهای دیگر و خطای اندازه‌گیری مربوط است؛ با وجود این، همان‌طور که گفته شد، این ارتباط معنادار است و در این زمینه فرضیه تحقیق نیز تأیید شد. در مطالعات پیشین نیز وجود ارتباط معنادار سبک زندگی با رضایت زناشویی تأیید شده است؛ برای مثال مطالعه کلاکتون و مورین پری (۲۰۰۸) بیانگر نقش اوقات فراغت به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی در میزان رضایت زناشویی است. در تحقیقات داخلی نیز نتایج پژوهش قربانعلی پور و دیگران از تأثیرات آموزشهای تغییر سبک زندگی بر میزان رضایت زناشویی حکایت دارد. هم‌چنین نتایج این مطالعه با نتایج مطالعات اصغر آقایی و سمیه پورمیدانی نیز همسو است که بیانگر رابطه معنادار بین سبک زندگی و رضایت زناشویی است.

در نهایت آزمون فرضیات نشان داد که از مجموع پنج فرضیه تحقیق، تنها فرضیه سوم مربوط به ارتباط معنادار بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و رضایت زناشویی رد می‌شود. در این تحقیق ارتباط بین این عوامل و میزان رضایت زناشویی بسیار ضعیف است و معنادار نیست. این امر می‌تواند به دلیل ذهنی بودن پدیده رضایت باشد. از آنجا که رضایت، ذهنی است، می‌توان گفت که وضعیت بهتر فرد از نظر شاخصهای اجتماعی - اقتصادی مانند تحصیلات، درآمد و غیره نمی‌تواند ضامن خوشبختی و احساس رضایت باشد.

به طور کل و با توجه به نتایج، می‌توان گفت که رضایت زناشویی چند بعدی است و تحت تأثیر عوامل زیادی می‌تواند باشد. از آنجا که هم از بعد عینی برخوردار است و هم ذهنی، بشدت تحت تأثیر عوامل روانشناختی بویژه ویژگیهای شخصیتی است و هم از عوامل جامعه‌شناختی مانند سبک زندگی تأثیر گرفته است.

در پایان با توجه به مطالب و نتایج، پیشنهادهایی در این زمینه به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- هم در سطح جامعه و هم در سطح خانواده‌هایی که درگیر طلاق و جدایی هستند برای بهبود روابط بین زوجین، افزایش میزان رضایت زناشویی، برنامه‌هایی چه به صورت رسانه‌ای و چه به صورت برگزاری کارگاه در نهادهای ذی‌ربط به ترویج و آموزش سبک زندگی سالم اقدام شود.
- مشاورین و مسئولین ذی‌ربط ویژگیهای شخصیتی را به عنوان عاملی مهم در پیروی از سبک زندگی سالم و نیز در میزان رضایت زناشویی جدی بگیرند و از طریق مراکز مشاوره روانشناختی و روانکاوی به درمان زوجین دارای مشکل بپردازند.

- مشاوره‌های روانشناسی شخصیت قبل از اقدام به ازدواج برای زوجین اجباری شود تا از این طریق طرفین به شناخت بهتری از یکدیگر دست یابد و آگاهانه‌تر به ازدواج اقدام کنند.

منابع

- آقاجانی افجدی، اعظم؛ سعیدی، راضیه (۱۳۹۴). رضایت زناشویی، رضایت جنسی، افسردگی و اضطراب. ویژه‌نامه روانشناسی معاصر. ۱۷ - ۱۴.
- آقایی، اصغر؛ ملک‌پور، مختار (۱۳۸۳). رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در هنرمندان و مقایسه آن با افراد عادی. نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی. ش ۲۱ و ۲۲: ۱۹۰ - ۱۶۹.
- احدی، بتول؛ اسکندری، حسین (۱۳۸۶). رابطه شخصیت و رضایت زناشویی. نشریه روانشناسی معاصر. دوره ۲. ش ۲: ۳۷ - ۳۱.
- اسماعیلی، معصومه؛ شکوهیان، نازیلا (۱۳۹۱). اثر ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای بر رضایت زناشویی. ویژه‌نامه روانشناسی معاصر. مجموعه مقالات چهارمین کنگره انجمن روان‌شناسی معاصر.
- اکبری، علی؛ دهکردی، مهناز (۱۳۸۶). شناسایی و مقایسه گروه‌های ترکیبی سه‌گانه سختی‌های جنسی زنان شاغل اهواز و همسران آنان از لحاظ سلامت روانی، رضایت زناشویی، هوش هیجانی، پایان‌نامه دکتری روانشناسی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- الماسی، نفسیه؛ خیبری، محمد؛ عزیزآبادی فراهانی، ابوالفضل (۱۳۸۹). رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در ورزشکاران و مقایسه آن با افراد عادی. نشریه مدیریت ورزشی. ش ۵: ۸۷ - ۷۳.
- ایمان، محمدتقی؛ یادعلی‌جمالویی، زهرا؛ زهری، محسن (۱۳۸۹). بررسی عامل‌های اقتصادی - اجتماعی مرتبط با رضایتمندی زناشویی مهاجرین در مناطق نفت‌خیز جنوب: مطالعه موردی شهرستان جم، شهرک توحید. فصلنامه زن و جامعه. س ۱. ش ۲.
- بخارایی، احمد (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش ایران. تهران: پژوهش‌گاه جامعه.
- برزگری، لیلی؛ غریبی، حسن؛ قلی‌زاده، زلیخا (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت زناشویی با عوامل شخصیتی. همایش روانشناسی و کاربرد آن در جامعه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- بنی‌فاطمه، حسین؛ طاهری تیمورلویی، طاهره (۱۳۸۸). تعیین عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با میزان رضایت زناشویی در میان زنان متأهل شهر آذر شهر. فصلنامه جامعه‌شناسی. س ۱. ش ۲: ۲۹ - ۷.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰). تمایز. ترجمه محسن چاوشیان. تهران: نشر ثالث.
- بهراری، زهرا (۱۳۹۴). نقش سبک زندگی بر رضایت زناشویی زوجین. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. س ۶. ش ۲۲.
- پورمیدانی، سمیه؛ و دیگران (۱۳۹۳). رابطه سبک‌زندگی و رضایت زناشویی. فصلنامه خانواده‌پژوهی. س ۱۰. ش ۳۹: ۳۴۴ - ۳۳۱.

- جنتی جهرمی، مهرداد؛ معین، لادن؛ یزدانی، لیلا (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه رابطه میان ویژگیهای شخصیتی و رضایتمندی زناشویی در زنان شاغل شهر کازرون. *فصلنامه زن و جامعه*. س ۱. ش ۲.
- خانی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۱). بررسی رابطه ویژگیهای شخصیتی با حوادث شغلی شهر اصفهان. *پژوهشهای راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*. ش ۴: ۷۵ تا ۸۸.
- خواجهی، موسی (۱۳۹۲). *اثربخشی آموزش گروهی روش تغییر شیوه زندگی با رویکرد روانشناسی فردی ادلر بر صحبت و الگوهای ارتباطی زوجین* پایان نامه کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
- شارف، ریچارد (۱۹۹۶). *نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره*. ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۱). تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۷۳). *مقدمه‌ای بر مبانی جمعیت‌شناسی*. تهران: انتشارات آرام.
- عطارزاده، عبدالکریم؛ مویینی، شمس؛ کاظمی، زهرا؛ ایزدپناه، اکبر (۱۳۸۵). *بررسی رابطه ساده و چندگانه بین ویژگیهای شخصیتی و وسواس با رضایت زناشویی*. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی.
- عطاری، یوسف‌علی؛ امان‌الهی فرد، عباس؛ مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۶). *بررسی رابطه ویژگیهای شخصیتی و عوامل فردی - خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز*. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*. س ۱۳. ش ۱: ۱۰۸ - ۸۱.
- فاضل، امین‌اله؛ حق‌شناس، حسن؛ کشاورز، زهرا (۱۳۹۰). *قدرت پیش‌بینی ویژگیهای شخصیتی و سبک زندگی بر رضایتمندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز*. *فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*. س ۲. ش ۳.
- قاسمی، وحید (۱۳۹۲). *الگوسازی معادلات ساختاری در پژوهشهای اجتماعی با کاربرد Amos Graphic*. تهران: جامعه‌شناسان.
- قاسمی‌ارگنه، حامد؛ اعتمادی، عذرا؛ رنگی، وحید؛ دهقان، سمیره (۱۳۹۱). *بررسی رابطه ویژگیهای شخصیتی و میزان رضایت زناشویی*. نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین.
- قربانعلی‌پور، مسعود؛ فراهانی، حجت‌اله؛ برجعلی، احمد؛ مقدس، لیلا (۱۳۸۷). *تعیین اثربخشی آموزش تغییر سبک زندگی به شیوه گروهی بر افزایش رضایت زناشویی، مطالعات روان شناختی*. دوره ۴. ش ۳.
- گروسی فرشید، میرتقی؛ مهریار، امیرهوشنگ؛ قاضی، سید محمود (۱۳۸۰). *کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو و بررسی تحلیل ویژگیها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاههای ایران*. *نشریه علوم انسانی الزهرا*. ش ۳۹: ۱۷۳ تا ۱۹۸.
- گلدنبرگ و گلدنبرگ (۲۰۰۱م). *ترجمه شاهی برواتی و نقشبندی و ارجمندی*. ۱۳۸۳.
- مصلحی، جواد؛ احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲). *نقش زندگی مذهبی در رضایتمندی زناشویی زوجین*. *مجله روانشناسی دین*. س ۶. ش ۲: ۹۰ - ۷۵.

منوچهرآبادی، افشین؛ هاشمی، محمد؛ حصاری، فرهاد (۱۳۹۲). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده بر سبک زندگی. *مجله مطالعات ملی*. ش ۵۳.

- Claxton, Amy and Perry- Jenkins, Maureen, No Fun Anymore: Leisure and Marital Quality, Across the Transition to Parenthood. *Journal of Marriage and the Family* 70 February 2008: 28-43
- Cook, D . B. (2004) . Goal continuity and the Big Five as predictors of old adult marital satisfaction . available at : www.scinedirect.com
- Edward, Nivischi Ngozi(2009), Marital satisfaction: Factors for black Jamaicans and African Americans living in the United States, University of Central Florida, 152 pages: 3383655 in <http://gradworks.umi.com>
- Janetius, T . (2004) . marriage and marital adjustment. available online at: www.homestead.com/psycho-religio/files/adjustment .
- Kalmijn, Matthijs and Bernasco, Wim. Joint and Separated Lifestyles in Couples Relationship, *Journal of Marriage and the Family*, 63, August 2001: 639-654
- Mahmoud Mohammad, Heba. (2016). Resilience as moderator variable to the relationship between burnout and marital satisfaction among workers of married couples in Egypt. *Indian Journal of Health and Wellbeing*. 7(5), 493-499
- Murphy, Jennie s. Nalbone, David p. Wetchler, Joseph L and Edwards, Anne B. (2015). Caring for Aging Parents: The Influence of Family Coping, Spirituality/Religiosity, and Hope on the Marital Satisfaction of Family Caregivers, *The American Journal of Family Therapy*, 43:238-25
- Shehan, Constance L. Wilbur Bock, E. and Lee, Gary R, Religious Heterogamy, Religiosity and Marital Happiness: The case of Catholics, *Journal of Marriage and the Family* 52 , February 1990: 73-79
- Taylor, S.E . (2004) . Illusion and well being: asocial psychological perspective on mental health. *Psychological Bulletin* , 103 , P P. 193-210